

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال هفتم، شماره ۲۶، زمستان ۱۴۰۱، صفحات ۱ تا ۹
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۸

انعکاس حق اشتغال زنان در چشم انداز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

| احسان صادقی پور* | پژوهشگر حقوق بین الملل و دانشجوی دوره دکتری تخصصی حقوق
بین الملل عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.
| هادی کریمخانی | دکتری تخصصی حقوق بین الملل عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران
جنوب، تهران، ایران.

چکیده

حقوق سیاسی و اجتماعی و به طور خاص حق اشتغال زنان در هر جامعه، یکی از نشانه های مدنیت و توسعه انسانی می باشد. در قوانین ایران، اصل حق اشتغال زنان با در نظر گرفتن مصالح مذهبی، فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان به ویژه نقش زن در خانواده به عنوان همسر و هم چنین به عنوان مادر در تربیت فرزندان بسیار مورد توجه قرار گرفته است. به همین جهت است که قانونگذار ایرانی به نظر می رسد تلاش دارد که اصل حق اشتغال زنان همواره به گونه ای تفسیر و عمل گردد که به دیگر نقش های زن، که در اسلام نیز تاکید شده است صدمه وارد نیاید. با وجود اینکه قانون اساسی و دیگر قوانین بر حق اشتغال زن تاکید کرده و داشتن این حق را جدای از مساله جنسیت، برای هر انسانی لازم و ضروری دانسته و جزو حقوق لاینفک هر انسانی می شمارند، باز هم شاهد مشکلاتی در حوزه اشتغال زنان هستیم. نوشتار حاضر، حق اشتغال زن را از منظر قانون اساسی ایران بررسی می کند.

واژگان کلیدی: حق اشتغال؛ زنان؛ قانون اساسی؛ جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

در دنیای امروز، مطالبه اشتغال از سوی برخی از زنان به انگیزه های مختلف اقتصادی، اجتماعی یکی از موضوعات مطرح در علوم اجتماعی است. تأثیرات استفاده از نیروی کار زنان در توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و مشارکت اقتصادی زنان به عنوان شاخصی برای توسعه یافته قلمداد شدن در ادبیات توسعه، موضوعی محوری است؛ زیرا در علم جامعه شناسی تأثیر متقابل اشتغال زنان و هویت جنسیتی، الگوی تفکیک نقش ها، ساختار خانواده و سبک های زندگی به بحث گذاشته می شود (زعفرانچی، ۱۳۸۸: ۲۱). از سویی دیگر، نگاه و بینش کلان فقهی در خصوص حق اشتغال زنان مبین این نکته است که زنان را می بایست همدوش مردان در عرصه های مختلف زندگی معنوی، مادی، اقتصادی و وظایف اجتماعی، علمی، حقوقی، فرهنگی و هنری وارد ساخته و بر تلاش ها و کوشش های آنان در ابعاد گوناگون زندگی همانند تلاش های مردان ارج می نهد (طباطبائی و دیگران، ۱۳۸۷). به مانند بسیاری از کشورهای دنیا، در جمهوری اسلامی ایران نیز زنان توانسته اند با اثبات توانایی ها و شایستگی های خود، به بسیاری از مناصب دست پیدا کنند چرا که بسترهای حقوقی که برآمده از فقه و حقوق اسلامی است، تا حد بسیار زیادی چنین عرصه ای را برای آنان فراهم نموده است. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب همه پرسی آذرماه ۱۳۵۸، و مصوبات شورای بازنگری قانون اساسی مصوب مردادماه ۱۳۶۸، ۱۳ محور قانون اساسی مورد اشاره قرار می گیرد که در این ۱۳ محور، زنان مورد بحث قرار گرفته اند (محمدی، ۱۳۹۵: ۲). امروزه مباحث فمینیست ها و تأکید آنان بر تساوی حقوق سیاسی و اجتماعی زنان و مردان به عنوان مطالبه ای جهانی و فراگیر مطرح شده است. این فراگیری در پیوند با مفاهیمی چون حقوق بشر، اعلامیه جهانی رفع تبعیض از زن، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان خود را بر کشورها و مناطق مختلف جهان تحمیل می کند. با این توضیحی که ارائه شد؛ پرسش مهمی پیش روی کشورها و نظام های سیاسی و از آن جمله نظام جمهوری اسلامی ایران گشوده می شود مبنی بر این که وضعیت اشتغال زنان در در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به چه صورتی است؟ پژوهش حاضر، حق اشتغال زن را از منظر قانون اساسی ایران به صورت اجمالی بررسی می کند.

حق اشتغال به عنوان یک حق لاینفک حقوق انسانی

اصول قانون اساسی از خواست ها و آمال و آرزوها و مذهب و اخلاق و تفکرات ملی سرچشمه می گیرد. این قانون نه تنها شکل حکومت، سازمان ها و نهادهای سیاسی، وظایف و اختیارات قوای عالی و نیز رابط نهادها و قوای مزبور را با هم تعیین می کند، بلکه حقوق عمومی افراد را اعم از زن و مرد که دولت مکلف به احترام آنها می باشد، مشخص می نماید. باید دانست یکی از مهم ترین ابزارها در تامین حقوق زنان قانون اساسی است و این سند به عنوان مهم ترین منبع حقوق اساسی و عمومی برای مردم اعم از زن و مرد به شمار می رود.

تساوی حقوق زن و مرد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در دیباچه خود منزلت والایی برای زن قائل شده و وعده می دهد "زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون در نظام طاغوتی متحمل شده اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود". از طرف دیگر زن به عنوان عضو اصلی خانواده "از حالت شی بودن و یا ابزار کار بودن در خدمت اشاعه مصرف زدگی و استثمار" خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پرارج مادری و پرورش انسان های مکتبی، پیش آهنگ و هم‌رزم مردان در میدان های فعل حیات می باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود. در همین ارتباط، طبق اصل بیست و یکم قانون اساسی دولت موظف است حقوق زن را در تمامی جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و برای ایجاد زمینه مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او تدابیر لازم را اتخاذ نماید. همچنین اصل بیستم بیان می دارد که "همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند." این برابری اصولی که بارها مورد تایید قانون اساسی قرار گرفته در چارچوب موازین اسلامی طراحی شده است، بنابراین مشروط و مقید است به همین جهت هر جا که قوانین اسلامی تمایزات حقوقی خاصی را بین زنان و مردان قائل شده است، نظام جمهوری اسلامی نسبت به آن متعهد و وفادار خواهد بود (شه بخت، ۱۳۸۲: ۹۹).

حق برخورداری از فرصت های شغلی یکسان

عدم تبعیض بین زنان و مردان در هنگام اشتغال، در واقع یکی از راه های «نفی ستم گری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری» است که در بخش ج بند ۶ اصل دوم قانون اساسی به آن اشاره شده است. همچنین بند ۹ اصل سوم نیز به صراحت بر «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی» و «تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و تساوی عموم در برابر قانون» پافشاری می نماید. بنابراین عدم تبعیض جنسیتی و برخورداری زنان از حقوق برابر با مردان در هنگام اشتغال و استخدام، یکی از حقوق اساسی در راه مشارکت اقتصادی زنان می باشد. در این قسمت ایجاد فرصت های یکسان برای اشتغال زنان مورد بررسی قرار می گیرد.

ایجاد فرصت های یکسان برای اشتغال زنان

در اصل بیست و هشتم قانون اساسی مقرر شده است: «... دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید». همچنین براساس بند دوم اصل چهارم و سوم قانون مذکور، دولت موظف است تا شرایط و امکانات کار را برای همه تا رسیدن به اشتغال کامل فراهم کند و وسایل کار را در اختیار همه کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند، قرار دهد. در جامعه ما زنان به سرمایه

انسانی تبدیل شده اند و باید فرصت بازدهی و ثمردهی برای این سرمایه انسانی فراهم گردد بنابراین فرصت های شغلی باید بر اساس شایستگی ها و توانایی ها به متقاضیان عرضه گردد و هرکس بر اساس وجود توانایی های فرد و توانایی های مورد نیاز شغل به کار گرفته شود. بررسی آماري و همچنین رقابت بسیار نزدیکی که از نظر کمی میان شرکت کنندگان زن و مرد در آزمون های استخدامی دواير دولتی مشاهده می شود، مبین میل زنان به مشارکت در بازار کار است، ولی مشاهده می شود در آگهی های استخدام موسسات دولتی و نهاد های عمومی صراحتاً بر عدم استخدام زنان در برخی از حرفه ها تاکید می شود (مختاریان، ۱۳۸۰: ۳۱۳) که منجر به نقض قانون اساسی شده است. نکته ای که از آن نمی توان چشم پوشی کرد آن است که فرهنگ غالب در ایران، فرهنگ سنتی و مرد سالار است و چنین فرهنگی نمی تواند به آسانی فرصت های اقتصادی و اجتماعی را در اختیار زنان قرار دهد. هنگام گزینش و مصاحبه استخدامی معمولاً مردان مرجح هستند. برخی علت چنین ترجیحی را تکلیف قانونی مردان به پرداخت نفقه به همسر خود می دانند. چنین استدلالی ممکن است صحیح باشد اما فقط قسمتی از حقیقت است نه تمام آن. امروزه در اکثر خانواده های ایرانی، تنظیم اقتصاد خانواده بر دوش زن و مرد، هر دو می باشد و از سویی دیگر در استخدام و دست یابی به مشاغل، تنها تخصص و کاریابی باید در نظر گرفته شود نه عوامل اجتماعی.

حق برخورداری برابر از امنیت شغلی

«امنیت»، اطمینان خاطر است که در آن، افراد در جامعه ای که زندگی می کنند نسبت به حفظ جان، مال، حیثیت، حقوق مادی، معنوی خود بیم و هراس نداشته باشند (هاشمی، ۱۳۷۰: ۹۲). از سویی دیگر کار نیز در زمره حقوق مادی و معنوی جای دارد. از جمله حقوق مادی است؛ زیرا وسیله نیل به نیازهای مادی مانند خوراک، پوشاک، مسکن و ... است و در زمره حقوق معنوی است به دلیل آنکه وسیله ای برای رسیدن به رفاه معنوی است که شامل آرامش روحی، تعادل فکری، اعتماد به نفس و تامین اجتماعی فرد شاغل و خانواده وی است. در سایه وجود کار و تداوم آن، هم فرد و هم جامعه به رفاه اجتماعی دست می یابند. لذا لازمه بوجود آمدن رفاه مادی و معنوی این است که هر فرد شاغل در زمینه های گوناگون، شغل خود را به آسانی از دست نداده و از تعدیات و تجاوزات غیرمجاز مصون باشد. لذا با این اوصاف، امنیت شغلی را چنین می توان تعریف کرد. اخراج زنان به دلیل بارداری در موسسات خصوصی، سخت گیری های غیرمعقول در گزینش و استخدام آزمایشی و قراردادی طی سال ها خدمت و عدم تبدیل آن به پیمانی و رسمی عملاً امنیت شغلی را از بین برده است. مورد دیگر قانون عدم شمول کارگاه های زیر ۵ نفر از قانون کار می باشد که ضمن محروم نمودن زنان از مزایای شغلی، کارفرما را مخیر نموده هر وقت بخواهد کارگر را اخراج نماید (طبق یک آمار تعداد این کارگران اعم از زن و مرد ۲ میلیون نفر می باشد که با اعضاء خانواده به حدود ۱۰ میلیون نفر بالغ می گردند) عدم اطلاع از وضعیت بازار، عدم امکان رقابت با کالاهای خارجی در عرصه تولید و مشکل توزیع برای زنانی که اقدام به تشکیل

تعاونی های تولیدی نموده اند و همچنین زنانی که با خوداشتغالی در خانه فعالیت می کنند، موجب افت، رکود و تعطیلی کار شده که امنیت شغلی آنان را متزلزل کرده است. اگر تبعیض در اعطاء اعتبارات مالی و تکنولوژی را هم به این مهم اضافه کنیم، عدم ثبات اشتغال زنان ایرانی ملموس تر خواهد شد (آملی، ۱۳۸۰: ۸۶).

حق برخورداری از تامین اجتماعی برابر مساوی

از تامین اجتماعی به عنوان یکی از ابتدایی ترین حقوق مسلم افراد جامعه نام برده می شود. انسان ها در طول تاریخ همواره با تهدیدهای گوناگون جانی و مالی مواجه بوده اند که با مساعدت هموعان خود به مقابله با این تهدیدها و آسیب ها پرداخته و اکثراً پیروز بوده اند، از جمله این تهدیدها آسیب های ناشی از کار برای کارگران و سایر اتفاقات است که بعضاً هم اجتناب از آنها مقدور نیست، مانند پیری، بازنشستگی. «اتحادیه بین المللی تامین اجتماعی» (ایسا) در تعریف تامین اجتماعی گفته است: «تامین اجتماعی، عبارت است از مجموعه کوشش ها و فعالیت های انجام شده توسط برخی از سازمان ها و موسسه های اجتماعی به منظور رسیدن به رفاه اجتماعی» رفاه اجتماعی نیز عبارتست از: «نظامی که به منظور خدمت و کمک به افراد بوجود می آید تا سبب زندگی بهتر و موجبات روابط مناسب تری را برای پیشرفت استعدادها، قابلیت ها و توانایی های انسان ها فراهم سازد» (وظیفه خواه، ۱۳۸۲: ۲۱). برخورداری از تامین اجتماعی و داشتن رفاه مطلوب در زندگی و بهره مندی از امکانات بهداشتی و درمانی به هنگام بیماری و همچنین احساس امنیت در برابر تهدیدهای مختلف، یکی از خواسته های اساسی انسان ها محسوب می گردد و دولت ها نیز عموماً در تامین این خواسته مهم سعی می نمایند. بنابراین با توجه به این که اکثر دانش آموختگان دانشگاه های ایران، زن هستند و طبق آماري که در سال ۱۳۸۰ اعلام شد، حدود ۶۳ درصد از دانشجویان دانشگاه ها را دختران تشکیل می دهند بجاست سهمیه ای برای استخدام زنان در هر وزارت خانه یا موسسه دولتی و غیردولتی در نظر گرفته شود تا به تبعیض عملی در این زمینه خاتمه داده شود (عبادی، ۱۳۸۱: ۶۹ - ۶۸).

حق انتخاب آزادانه حرفه و شغل و محدودیت های آن برای زنان

حق انتخاب آزادانه حرفه و شغل

آزادی یک «حق» اساسی و از زمره حقوق انتخابی است که فرد در حوزه آن، حق انتخاب و گزینش دارد. «آزادی عبارت از این است که انسان حق داشته باشد هر کاری را که قانون اجازه داده و می دهد انجام دهد و آنچه را قانون منع کرده و صلاح او نیست مجبور به انجام آن نگردد، در این صورت اگر مرتکب اعمالی شود که قانون منع کرده دیگر قانونی وجود نخواهد داشت.» (منتسکیو، ۱۳۶۲: ۲۹۴). یکی از حقوق اساسی انسان، حق انتخاب آزادانه حرفه و شغل می باشد که از نتایج آزادی شخصی و حرمت نهادن به انسان و دنباله شخصیت اوست. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل بیست و هشتم ضمن تاکید بر آزادی انتخاب شغل، دولت را

موظف به فراهم کردن امکان اشتغال برای همگان کرده است. در بند دوم اصل چهل و سوم نیز حکمی نظیر اصل بیست و هشتم دیده می شود. در قانون اساسی ایران، امنیت شغلی را که در زمره امنیت های مادی و معنوی در اصل بیست و دوم قرار گرفته، به نحو خاصی از اصل چهل و ششم نیز می توان استنباط کرد. قسمت دوم این اصل مقرر می دارد: «هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود، امکان کسب و کار را از دیگران سلب کند». در فصل دوم قانون کار نیز از امنیت شغلی به صورت های مختلف حمایت شده است:

- ۱- حفظ امنیت شغلی کارگران در صورت تغییرات حقوقی در وضع کارگاه (ماده ۱۲)؛
- ۲- حفظ امنیت شغلی کارگران در موارد تعلیق قرارداد کار و لزوم بازگشت کارگران به کار پس از رفع تعلیق (مواد ۱۴-۲۰)؛
- ۳- ممنوعیت مطلق اخراج کارگران بدون تقصیر و لزوم پرداخت حق سنوات به کارگرانی که در اثر تقصیر اخراج شده اند (ماده ۲۷)؛
- ۴- ممنوعیت اخراج نمایندگان قانونی کارگران و اعضای شورای اسلامی کار و داوطلبان واجد شرایط نمایندگی (ماده ۲۸)

در اصل بیست و نهم قانون اساسی پیش بینی شده است: «برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی.» در نتیجه دولت مکلف گردیده است «طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور، تامین کند». براساس آنچه در این اصل آمده است، منظور از نظام تامین اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران «نظام جامعی است که جامعه و آحاد مردم را در برابر رویدادهای قابل انتظار و یا پیش بینی نشده اجتماعی، اقتصادی و طبیعی (مانند بیکاری، ازکار افتادگی، بازنشستگی، بیماری، فوت، بی سرپرستی، فقر، کاهش یا قطع درآمد، سالمندی و ناتوانی های جسمی و ذهنی و آسیب های اجتماعی) مورد حمایت و پوشش قرار می دهد.» (طغرانگار، ۱۳۸۳: ۱۷۶). بند ۹ اصل سوم قانون اساسی ضمن تصریح بر رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در بند ۱۲ بر پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه، مسکن، کار و بهداشت و تعمیم بیمه تاکید می نماید. اصل بیست و یکم قانون اساسی نیز دولت را موظف به انجام اموری جهت تضمین رعایت حقوق زن می کند که از آن جمله است: «۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست». همچنین ماده «۱۰۸» منشور حقوق و مسئولیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران برحق برخورداری از تامین اجتماعی زنان اشاره می نماید. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ضمن تصریح بر گسترش حمایت های اجتماعی و تهیه و تدوین طرح جامع توانمندسازی زنان خود سرپرست و سرپرست خانوار، بر افزایش مستمری ماهیانه زنان سرپرست خانواده تحت پوشش دستگاه های حمایت بر مبنای چهل درصد حداقل حقوق و

دستمزد در سال اول برنامه تاکید می نماید. ماده «۵۴» قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و ۱۳۵۸ تصریح می کند: «بیمه شدگان و افراد خانواده آنها از زمانی که مشمول مقررات این قانون قرار می گیرند در صورت مصدوم شدن بر اثر حوادث یا ابتلا به بیماری می توانند از خدمات پزشکی استفاده نمایند. خدمات پزشکی شامل کلیه اقدامات درمانی سرپایی، بیمارستانی، تحویل داروهای لازم و انجام آزمایشات تشخیص طبی می باشد.» این ماده قانونی عام است و به ظاهر افراد خانواده بیمه شدگان اعم از زن یا مرد مشمول مقررات مندرج در آن قرار می گیرند. اما ماده ۵۸ همان قانون، تعادل و تساوی موجود در ماده ۵۴ را به زیان افراد خانواده زنان شاغل در هم می ریزد: «افراد خانواده بیمه شده که از کمک های مقرر در ماده ۵۴ این قانون استفاده می کنند عبارتند از:

۱- همسر بیمه شده

۲- شوهر بیمه شده در صورتی که معاش او توسط بیمه شده زن تأمین می شود و سن او از شصت سال متجاوز باشد یا طبق نظر کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون^۲ از کار افتاده شناخته شود و....

نتیجه گیری

زن در جامعه و در ساحت های فردی و جمعی، زمانی می تواند اثر مثبت و سازنده ای داشته باشد که از جایگاه و حقوق حقه خود، آگاهی داشته و از آنها بهره ببرد. محروم نمودن زنان از حقوق گوناگون خود، در حقیقت بی بهره ساختن و ضربه زدن به جامعه ای است که در آن نیمی از افراد، کارکرد و وظایف شهروندی خود را به درستی انجام نمی دهند. گرچه قوانین داخلی و بین المللی در این موضوع همپوشانی زیادی با هم دارند و هر دو بخش اشتغال را نه تنها برای زنان بلکه برای هر همه افراد جامعه حقی لاینفک و از حقوق اولیه هئانسانی به شمار می آورند، اما بازم هم زنان عملاً مورد تبعیض واقع می شوند و این نشان از گزینش افراد براساس شایستگی و میزان مهارت نیست. یکی از مهم ترین اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص حق اشتغال زنان، اصل بیست و هشتم است. بر اساس این اصل، هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. بدون تردید اسلام نیز، اشتغال بانوان را جایز می شمارد و در این زمینه نه تنها دلیلی بر منع نداریم، بلکه شواهد و دلایل فراوانی بر جواز وجود دارد. خداوند متعال در قرآن کریم، حق مالکیت زنان بر اموالشان را، در کنار مالکیت مردان، مورد تأکید قرار داده، می فرماید:

^۲-طبق ماده ۹۱ قانون تأمین اجتماعی: «برای تعیین میزان از کارافتادگی جسمی و روحی بیمه شدگان و افراد خانواده آنها کمیسیون های بدوی و تجدیدنظر پزشکی تشکیل خواهد شد.»

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْتُمْ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْتُمْ. در این آیه، فقط مردان مخاطب نیستند، بلکه مجموعه انسانها، اعم از زن و مرد، مورد توجه قرار گرفته‌اند و همگی به طلب فضل الهی دعوت شده‌اند که کار کردن و کسب درآمد، یکی از مصادیق آن است. بنابراین، مردان و زنان به فعالیت اقتصادی دعوت شده‌اند و کار کردن نیز از مصادیق بارز فعالیت اقتصادی است پس اشتغال برای زنان نیز مانند مردان جایز است.

منابع و مراجع

- طغرانگر، حسن (۱۳۸۳) حقوق سیاسی- اجتماعی زنان قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول
- عبادی، شیرین (۱۳۸۱) حقوق زن، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول
- منتسکیو، شارل (۱۳۶۲) روح القوانین، ترجمه علی اکبر مهتدی، تهران، انتشارات امیرکبیر
- هاشمی، محمد (۱۳۷۰) نگرشی به قانون جدید کار، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
- آملی، احمد (۱۳۸۰) بررسی حقوق اشتغال زنان ایران و انطباق آن با کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان، مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی زنان، تهران، مرکز امور مشارکت زنان.
- زعفرانچی، لیلاسادات (۱۳۸۸) اشتغال زنان (مجموعه مقالات و گفت وگوها) دفتر مطالعات و تحقیقات زنان مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری .
- شه بخت، پریسا (۱۳۸۲) مقایسه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان با قانون اساسی ایران، نشریه کانون زنان زمان، شماره ۲ .
- طباطبایی، سیدمحمدصادق و دیگران (۱۳۸۷)، بررسی مسئله تصدی زن بر مقام ریاست جمهوری در جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱.
- محمدی، مهتری (۱۳۹۵) بررسی موارد حق اشتغال زنان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دیگر قوانین موضوعه، نخستین کنگره ملی زنان موفق ایران .
- مختاریان، حسین (۱۳۸۰) شیوه های افزایش مشارکت زنان در بازار کار ، مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی زنان، تهران، مرکز امور مشارکت زنان.
- وظیفه خواه، علیرضا (۱۳۸۲) نظام تامین اجتماعی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات سال ۱۳۶۸
- قانون تامین اجتماعی مصوب ۵۴ و ۵۸
- قانون کار مصوب ۱۳۶۹
- منشور حقوق و مسؤلیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی